

۵ نشانه از برتری نظم منطقه ای ایران بر آمریکا

تحولات جهان عرب که از سال ۲۰۱۱ شروع شد، ضربه‌ی شدیدی بر نظم آمریکایی حاکم بر منطقه وارد کرد. در این دوران، بازیگران منطقه‌ای بعد از مدت‌ها به دنبال تغییر نظم حاکم و پیگیری نظم مورد نظر خود بودند. در واقع تا اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی، آمریکا نظم مورد نظر خود را در منطقه به خوبی به اجرا گذاشته بود، اما در این سال اولین ضربه‌ی جدی به این نظم وارد شد و نظامیان رژیم صهیونیستی که با حمایت آمریکا در جنوب لبنان بودند، مجبور شدند این منطقه را ترک کنند و به این صورت اولین شکست آمریکا رقم خورد. پس از این شکست، شکست‌های بعدی در عراق و افغانستان نیز رقم خورد. در سال ۲۰۰۶ نیز حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه موفق شد استراتژی آمریکا در منطقه را شکست دهد. نهایتاً با شروع موج بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ روند شکست‌های آمریکا در منطقه تسریع شد.

اما در مقابل نظم مورد نظر آمریکا، نظم ایران قرار دارد که مبتنی بر تقویت محور مقاومت و امنیت منطقه‌ای است. ایران در یک دهه‌ی اخیر به دنبال برقراری نوعی نظم منطقه‌ای است که در آن به جای آنکه بازیگران فرامنطقه‌ای محور باشند، کشورهای منطقه با همکاری یکدیگر امنیت در منطقه را ایجاد می‌کنند. استراتژی ایران در این سال‌ها همواره حمایت از ملت‌های منطقه و مخالفت با دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر بوده است. با شروع بیداری اسلامی در منطقه، نظم مورد نظر ایران نیز شکل جدیدی به خود گرفت. در واقع بیداری اسلامی باعث تغییر ژئوپلیتیک منطقه‌ای شد و نوعی جدید از بازیگران را در منطقه مطرح کرد. بنابراین آمریکا که نظم مورد نظر ایران را رقیب اصلی خود دید، با خلق چندین بحران سعی کرد تا از پیروزی نظم مبتنی بر نظام‌های مردم‌سالار جمهوری اسلامی جلوگیری کند. برای این منظور، آمریکا در چهار کشور عراق، سوریه، یمن و لبنان به طور خاص برنامه‌ی راهبردی داشت، اما نتیجه آن گونه که اتاق فکرهای آمریکا پیش‌بینی کرده بودند، رقم نخورد.

جنگ عراق و سوریه

آمریکا به همراه برخی کشورهای منطقه‌ای که مجریان نظم مورد نظر آمریکا در جهان اسلام هستند، سعی کردند دو کشور عراق و سوریه را که در استراتژی‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارند، مورد هدف قرار دهند. سوریه در سال‌های متوالی از سویی همچون خاکریزی گسترده در مقابل تجاوزات صهیونیست‌ها پایداری کرده است تا مانع گسترش خطر اسرائیل شود و از سوی دیگر، مسیری امن و کانالی مطمئن برای حمایت و پشتیبانی از حزب الله لبنان و حماس و جهاد و سایر گروه‌های فلسطینی بوده است. به همین دلیل است که سید حسن نصرالله می‌گوید: «اگر سوریه سقوط کند، مقاومت محاصره خواهد شد و اسرائیل به لبنان خواهد آمد و همه‌ی دستاوردهای مقاومت از بین خواهد رفت. سوریه کمر مقاومت است و مقاومت نمی‌تواند همین‌طور تماشای باشد و ببیند که این کمر شکسته می‌شود.»

هدف آمریکا این بود که با برکناری دولت سوریه، ایران را تحت فشار قرار دهد و نظم منطقه‌ای مورد نظر خود را بر همه‌ی کشورها تحمیل کند. اما ورود مقاومت لبنان و نیروهای مستشاری ایران به سوریه باعث شده است که تروریست‌ها اکنون در دو شهر حلب و رقه، تحت محاصره‌ی شدید ارتش سوریه قرار بگیرند و آمریکا مجبور به آمدن پای میز مذاکره شود.

اما مقاومت گسترده‌ی مردم دو کشور باعث شد تا در هر دو کشور نقشه‌های دشمنان شکست بخورد. در واقع هدف آمریکا این بود که با برکناری دولت سوریه، ایران را تحت فشار قرار دهد و نظم منطقه‌ای مورد نظر خود را بر همه‌ی کشورها تحمیل کند. اما ورود مقاومت لبنان و نیروهای مستشاری ایران به سوریه باعث شده است که تروریست‌ها اکنون در دو شهر حلب و رقه، تحت محاصره‌ی شدید ارتش سوریه قرار بگیرند و آمریکا مجبور به آمدن پای میز مذاکره شود؛ آن‌هم با قبول برخی از شروطی که جمهوری اسلامی برای این مذاکرات تعیین کرده است.

جنگ یمن و شکست عربستان

جایگاه استراتژیک یمن و تسلط این کشور بر تنگه‌ی استراتژیک باب‌المنندب باعث شد تا آمریکا این کشور را به دلیل منافع رژیم صهیونیستی، مورد فشار قرار دهد. مجموعه جزایر یمن که در مالکیت جغرافیایی و قلمرویی یمن است، یکی از دلایل توجه غرب و اسرائیل به یمن است. بنی گانتس، رئیس سابق ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی، گفته است: «باب‌المنندب و مسیرهای دریانوردی از برنامه‌ی هسته‌ای ایران برای اسرائیل نگران‌کننده‌تر هستند.» وی با این جمله نگرانی رژیم صهیونیستی را از وجود کشوری قوی و مستقل که اداره‌ی این گذرگاه مهم را در دست داشته باشد و نیز تهدیدات مستقیمی که برای این کشور دارد، نشان داد. ۲. پس از فرار منصور هادی رئیس‌جمهور مستعفی یمن و ورود انصارالله به صنعاء، آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی به شدت نگران روی کار آمدن یک دولت مستقل در یمن شدند که منافع آن‌ها را با تهدید مواجه خواهد کرد. از این رو از فروردین ۹۴ به این کشور حمله کردند و به دنبال پیروزی سریع و برق‌آسا بودند. اما پس از هجده ماه نه تنها هیچ پیروزی‌ای به دست نیامده، بلکه مرزهای جنوبی عربستان نیز با تهدید انقلابیون یمن مواجه شده است. در اینجا نیز آمریکا نگران نفوذ ایران بود؛ چرا که نیروهای

انصارالله همواره خود را بخشی از محور مقاومت و دنباله‌ی حزب‌الله لبنان معرفی کرده بودند. روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» چاپ آمریکا با انتشار گزارشی در مورد وضعیت یمن اعلام کرد پیروزی حوثی‌ها در یمن به‌نوعی پیروزی ایران علیه آل‌سعود است. این روزنامه در ادامه‌ی گزارش خود افزود: آل‌سعود بداند که ایران اکنون به قدرتی عظیم در خاورمیانه تبدیل شده است. عربستان دیگر نمی‌تواند لیدر جهان اسلام باشد. روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» تأکید کرد اکنون ایران می‌تواند لیدر جهان اسلام باشد. اگر رهبری جهان اسلام به دست ایران بیفتد، بی‌شک تهدیدی برای اسرائیل خواهد بود. ۳

ناصر قنديل، تحليلگر و کارشناس برجسته‌ی مسائل لبنان و منطقه، اعلام حمایت سعد الحریری از نامزدی میشل عون در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور را موفقیتی بزرگ برای حزب‌الله دانست و تأکید کرد که این موفقیت را باید همسنگ پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه با رژیم اشغالگر اسرائیل در جولای ۲۰۰۶ میلادی تلقی کرد.

تنش در روابط مصر و عربستان

مصر و عربستان که هر دو از متحدان آمریکا محسوب می‌شوند، در ماه‌های اخیر وارد نوعی تنش شده‌اند. عربستان برای سقوط محمد مرسی در مصر، میلیاردها دلار هزینه کرد تا نظامیان به رهبری عبدالفتاح السیسی را به قدرت برساند و برای تثبیت جایگاه السیسی نیز هزینه‌های زیادی کرد. هرچند السیسی با اعلام موافقت خود با توافقنامه‌ی تیران و صنایع وفاداری خود را به ریاض اعلام کرد، اما دیری نپایید که معادلات طور دیگری رقم خورد و کنفرانس گروزی که با شرکت علمای مصری انجام گرفت، تیر خلاص را به روابط ریاض و قاهره زد؛ چراکه در این کنفرانس، وهابیت را به‌عنوان فرقه‌ای خارج از اهل سنت تعریف و آن را عامل تفرقه در جهان اسلام معرفی کردند. اما این پایان ماجرا نبود. مصر از پیش‌نویس قطعنامه‌ی روسیه در خصوص سوریه حمایت کرد؛ پیش‌نویسی که حکومت آل‌سعود از مخالفان سرسخت آن بود. عبدالله المعلمی، نماینده‌ی عربستان در سازمان ملل، اعلام کرد که رأی مثبت مصر به پیش‌نویس طرح روسیه، برای آل‌سعود «دردناک» بود. این اقدام قاهره سبب شد شرکت ملی نفت عربستان ارسال هفتصد هزار تن محصولات نفتی به مصر را در ماه جاری میلادی متوقف کند. مصر یکی از حامیان دولت سوریه بوده و در ماه‌های اخیر مخالفت خود را با سیاست‌های غرب و عربستان در سوریه اعلام کرده است. در سوریه موضع مصر بسیار به ایران نزدیک شده است و کارشناسان نوید گشایش در روابط دو کشور را داده‌اند. در واقع عربستان تلاش‌های زیادی کرد تا با کمک‌های میلیاردی به مصر، این کشور را با خود در پرونده‌های مهم منطقه‌ای همراه کند، اما مصر نه در یمن و نه در سوریه با عربستان همراه نشد و به‌نوعی سیاست‌های ایران در مورد این دو بحران را در پیش گرفت.

پیروزی حزب‌الله در عرصه داخلی لبنان

لبنان در سی ماه گذشته به‌دلیل اختلافات داخلی با خلأ رئیس‌جمهور مواجه بوده است. گزینه‌ی مورد نظر حزب‌الله و به‌طور کلی ۸ مارس (حزب‌الله، جنبش امل و جریان آزاد ملی) میشل عون بود که سعد حریری به‌عنوان هم‌پیمان عربستان، مخالف این گزینه بود و باعث ناکامی پارلمان در انتخاب رئیس‌جمهور شده بود. البته این بحران سیاسی بود و بیشتر به‌دلیل بحران سوریه به وجود آمده بود. حریری به‌عنوان نماینده‌ی عربستان، آمریکا و فرانسه، به‌دنبال آن بود که انتخاب رئیس‌جمهور را تا سقوط بشار اسد طول دهد، اما پیروزی‌های ارتش سوریه با کمک ایران، روسیه و حزب‌الله باعث شد که تروریست‌ها در سوریه به‌تدریج عقب‌نشینی کنند. آن‌ها اکنون در مرزهای شمالی مستقر هستند و این به‌معنای آن است که نقشه‌ی آمریکا و هم‌پیمانانش برای برکناری دولت قانونی سوریه شکست خورده است. به‌دنبال این شکست، سعد حریری که از لحاظ اقتصادی و سیاسی فردی شکست‌خورده است، مجبور شد برای نجات خود در برابر گزینه‌ی حزب‌الله، شکست را قبول کند و از میشل عون حمایت کند. ناصر قنديل، تحلیلگر و کارشناس برجسته‌ی مسائل لبنان و منطقه، اعلام حمایت سعد الحریری از نامزدی میشل عون در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور را موفقیتی بزرگ برای حزب‌الله دانست و تأکید کرد که این موفقیت را باید همسنگ پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه با رژیم اشغالگر اسرائیل در جولای ۲۰۰۶ میلادی تلقی کرد. ۴

بازیگران جدید

در کنار این تحولات، کنشگران جدیدی در عرصه‌ی منطقه در حال به وجود آمدن هستند. شاید تا پیش از این، آمریکا قدرت پیش‌بینی این مسئله را نداشت. نیروهای حشد الشعبی در عراق، شکل‌گیری جبهه‌ای موسوم به مدافعان حرم از بسیاری از کشورهای منطقه برای دفاع از سوریه و افزایش قدرت و پایگاه اجتماعی انصارالله یمن، نشانه‌های واضحی از شکل‌گیری این کنشگران جدید منطقه هستند؛ کنشگرانی که مدل عمل سیاسی آنان به الگوی مبارزاتی و عمل سیاسی انقلاب اسلامی شباهت‌های زیادی دارد و حتی می‌توان آن‌ها را مولود انقلاب اسلامی دانست.

گزارش‌های محرمانه حاکی از آن است که اسرائیل و عربستان همکاری‌های تنگاتنگ اطلاعاتی برای مقابله با حزب‌الله، انصارالله و حشد الشعبی دارند. براساس گزارش پایگاه فرانسوی «اینتلینس‌آنلاین»، هم‌اکنون ده‌ها سال است که روابط بین اسرائیل با عربستان و سایر کشورهای خلیج‌فارس به‌صورت محرمانه وجود دارد.

تا پیش از بیداری اسلامی، حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی با پیروزی‌های خود در برابر اسرائیل، منطق جمهوری اسلامی در منطقه را، که همانا حمایت از امنیت منطقه‌ای بود، بر اسرائیل تحمیل می‌کردند. تحولات سال‌های اخیر، بازیگران جدیدی را نیز به این عرصه وارد کرده است که کشورهای غربی به‌شدت از آن‌ها هراس دارند. گزارش‌های محرمانه حاکی از آن است که اسرائیل و عربستان همکاری‌های تنگاتنگ اطلاعاتی برای مقابله با حزب‌الله، انصارالله و حشد الشعبی دارند. براساس گزارش پایگاه فرانسوی «اینتلینس‌آنلاین»، هم‌اکنون ده‌ها سال است که روابط بین اسرائیل با عربستان و سایر کشورهای خلیج‌فارس به‌صورت محرمانه وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد که پس از توافق هسته‌ای ایران، این روابط در روند تقویت و آشکارسازی قرار گرفته است. براساس اطلاعاتی که در اختیار سایت «اینتلینس‌آنلاین» قرار گرفته است، عوامل سرویس اطلاعاتی سعودی (GPI)، که مسئول همکاری اطلاعاتی با «موساد» و «امان» هستند، هم‌اکنون در بهترین شرایط خود قرار دارند. هرگز چنین همکاری فعالی بین دو رژیم در زمینه‌ی «تجزیه و تحلیل اطلاعات»، «اطلاعات انسانی» و «رهگیری تکنولوژیکی» (سایبر) در ارتباط با ایران و جنبش‌هایی همانند حزب‌الله، انصارالله و یگان‌های «حشد الشعبی»، وجود نداشته است. همکاری بدون محدودیت بین ریاض و تل‌آویو، محرکی برای سرویس‌های اطلاعاتی سایر کشورهای عربی جهت ایجاد و توسعه‌ی ارتباط با اسرائیل است. ۵ این امر نشان‌دهنده‌ی میزان تأثیرگذاری این گروه‌هاست.

در مجموع می‌توان گفت که با بررسی روند یک دهه‌ی اخیر می‌توان به این نتیجه رسید که نظم مورد نظر آمریکا در منطقه، نه تنها از قدرت پیشین برخوردار نیست، بلکه در عرصه‌های مختلف در برابر منطق و نظم ایران، شکست خورده است. آمریکا اکنون به این نتیجه رسیده است که منطقه‌ی غرب آسیا تغییر کرده است و ایران را نمی‌توان در نظم جدید منطقه‌ای کنار گذاشت. شاید یکی از دلایل اینکه آمریکا سیاست چرخش به شرق آسیا را انتخاب کرده است، به شکست سیاست‌های منطقه‌ای این کشور مرتبط باشد.

ارجاعات:

[۱]. <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۳۱۱۲۹>

[۲]. <http://javanonline.ir/fa/news/۷۴۴۱۸۶>

[۳]. <http://khl.ink/zuy>

[۴]. <http://www.al-binaa.com/?article=۱۴۴۹۲۰>

[۵]. <http://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۲۱۳۹۵۵/۲۶/۰۷/۱۳۹۵>